

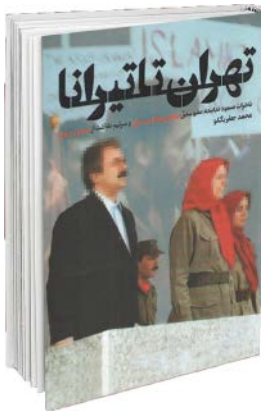
سعیده اسداللهی

منتقد ادبی

بسیاری از نویسندگان، داستان خود را در بستر مکانی خاص پیش می‌برند که تحت تاثیر شرایط محیطی، آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی شخصیت‌ها را درگیر ماجراهایی منحصر به فرد می‌کنند. موضوع قابل توجه تاثیر غیرقابل انکار مکان بر وجه مختلف شخصیت است. به عنوان مثال کلافگی‌های ناشی از گرما و رطوبت، درجه حرارت زیر صفر یا آلودگی‌های صنعتی و وجود زباله‌هایی که زیبایی‌های طبیعت را محاصره کرده‌اند و باعث سرگیجه و منگی آدم‌ها می‌شوند و مستقیم روی شرایط زیست و رفتارشان تاثیر می‌گذارند. عامل مهم دیگر در داستان، شغل شخصیت است. گاهی بطن شخصیت، شغل اوست. کسی که در یک شرکت تجاری کار می‌کند، ریتم و شیوه زندگی مغایری با کشاورزی که در روستایی دور افتاده زندگی می‌کند، دارد. متخصص رایانه مهارت‌هایی دارد که با مهارت‌های یک دهنده المپیک متفاوت است. بنابراین هر نویسنده با اطلاعاتی که در اختیار مخاطب می‌گذارد، بطن را مشخص می‌کند و شخصیت را واقعی‌تر می‌سازد. همین امر می‌تواند خلاقیت را راه بیندازد و کمک کند که داستان به طور طبیعی و واقعی پیش برود. ژوئل اگلوف نویسنده نوظهور فرانسوی با نگاهی عمیق و ناتورالیستی، جهان سیاه و تباہ انسان مدرن امروزی را روایت می‌کند. وی در داستان بلند «منگی» با هوشیاری تمام تاثیر مکان بر نوع رفتار، شیوه زیست و روابط اجتماعی آدم‌ها را در خلال موقعیت‌ها بیان می‌کند. آدم‌هایی که ناچار به پذیرش و انجام هر کاری برای ادامه زندگی هستند اما توجهی به بحران‌های جهان صنعتی و مدرن که آنها را به سوی تباہی می‌کشاند، ندارند. آدم‌های داستان «منگی» مرده‌های متحرکی هستند که مدت‌هاست تحت تاثیر محیط و مکان زندگی‌شان، زندگی واقعی را از یاد برده و به این شرایط عادت کرده‌اند. به هر حال آنها برای بقا تلاش می‌کنند. راوی داستان مرد جوانی است که با مادر بزرگش زندگی می‌کند و در کشتارگاه مشغول به کار است. وی تنها کسی است که آگاهی به وضع موجود دارد. او دچار خورده و قصد دارد آن شرایط و محیط بگریزد. تصمیمی که هرگز به سرانجام نمی‌رسد. ژوئل اگلوف با زبانی تند و تیز همراه با طنز سیاه به شرح واقعیت‌های زندگی همه مردم دنیا می‌پردازد. او زیاده‌گویی نمی‌کند. انسان ناشکیبای امروزی را معطل نمی‌گذارد و حرفش را سرراست می‌زند. داستان بلند «منگی» با ترجمه‌ای تمیز و بی‌نقص توسط اصغر نوری در نشر افق به چاپ رسیده است.

«تهران تا تیرانا» به چاپ سوم رسید

## خاطرات عضو جدا شده منافقین



محمدرضا کلاهی (عامل انفجار دفتر حزب جمهوری) و مسعود کشمیری (عامل انفجار ۸ شهریور) هم در همین زمان و البته با فاصله زمانی کمی به مقر ما منتقل شدند. مشخص بود که هیچ‌کدام را به خاطر سابقه نمی‌توانستیم به اروپا بفرستیم و دستور، نگه داشتن و مراقبت از آنها بود. کلاهی (با نام سازمانی کریم رادیو) را که به لحاظ فنی در ایستگاه رادیو قابل استفاده بود در کردستان نگه داشتیم و مسعود کشمیری (با نام سازمانی باقر روابط) را که عربی بلد بود به دفتر بغداد فرستادیم...» خداینده اطلاعات و تحلیل‌های جالبی درباره حیات یا ممات کشمیری و کلاهی دارد.

خشم خلق قهرمان!

وی در جای دیگری از خاطراتش می‌گوید: «در مورد انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی (۷ تیر ۱۳۶۰) و دفتر نخست‌وزیری (۸ شهریور ۱۳۶۰)، فکر نمی‌کنم کسی در اعضا، هواداران، اعضای شورایا جداشدگان باشد که نداند این دو عملیات کار سازمان بوده است. رجوی بارها در جلسات خصوصی، این مسئولیت را گردن گرفت. او علنا مسئولیت این دو عملیات را می‌پذیرفت و می‌گفت: این خشم خلق قهرمان بود! عامل اصلی دو عملیات ۷ تیر و ۸ شهریور ۱۳۶۰، دو نفر به نام‌های محمدرضا کلاهی و مسعود کشمیری بودند؛ کسانی که وظیفه انتقال آنها از ایران، برعهده من گذاشته شد.»

اطلاعات مسعود خداینده از پیشینه سازمان، روابط تشکیلاتی، طرح‌های عملیاتی گوناگون، کمپ‌اشرف، منابع مالی سازمان مجاهدین خلق و پشت‌پرده روابط مسعود رجوی با افراد و گروه‌های مختلف، خواندنی و جالب است. او که به همراه برادرش ابراهیم در سازمان عضویت داشت، اطلاعات جالبی از سرکرده فرقه منافقین دارد. گفتنی است کتاب «تهران تا تیرانا» به قلم محمد جعفر بنگلو نوشته شده و انتشارات شهید کاظمی این کتاب را چاپ کرده است.

کتاب خاطرات مسعود خداینده، سرتیم حفاظت مسعود و مریم رجوی به چاپ سوم رسید. این کتاب که با عنوان «تهران تا تیرانا» منتشر شده، واگویی‌هایی از درون سازمان مجاهدین خلق است. خداینده که از پیش از پیروزی انقلاب، سمپات مجاهدین خلق بود تا سال ۱۳۷۵ که از سازمان برید، تمام رده‌های سازمانی را طی کرد و در نزدیک‌ترین جایگاه به مسعود و مریم رجوی قرار گرفت. حضور بیش از دو دهه‌ای در سازمان مجاهدین خلق و ارتباط نزدیک با سران سازمان، وی را به جعبه سیاه مجاهدین خلق تبدیل کرده است. خداینده به دلیل مسئولیتش در سازمان (سرتیم حفاظت از رجوی، عضو شورای مرکزی و فرمانده ارتش آزادیبخش) اطلاعاتی بدیع از درون سازمان مجاهدین خلق دارد.

کلاهی یا کریم رادیو

خداینده که با نام مستعار «رسول» در سازمان فعالیت می‌کرد، در تابستان ۱۳۶۰ مسئول مستقیم انتقال محمدرضا کلاهی و مسعود کشمیری (عاملین انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری و دفتر نخست‌وزیری) بود. وی در بخشی از این کتاب، درباره انتقال کلاهی و کشمیری از ایران می‌گوید: «همزمان با ورود مسعود رجوی و ابوالحسن بنی‌صدر به فرانسه (مرداد ۱۳۶۰)، من از لندن به پاریس اعزام شدم و سپس همراه سعید شاهسونی برای انتقال یک فرستنده رادیویی ۱۰ کیلوواتی و سایر وسایل ارتباطی از مونیخ به بغداد و از آنجا به مرز کردستان ایران و از طریق کوهستان به دره زیر سردشت منتقل شدم. مدتی از حضور در کردستان نگذشته بود که این مقر تبدیل به محل وصل نفرات داخل کشور به فرانسه شد. بسیاری از اعضا در آن سال‌ها به ویژه بعد از شکست ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ از طریق مقر ما که آن زمان همجوار مقر حزب دموکرات بود، به دفتر بغداد و از طریق اردن به فرانسه منتقل شدند. از جمله اینها مهدی ابریشمچی و جلال گنجه‌ای بودند که همه آنها را خودم از مرز تحویل گرفتم.

ذره بین

■ برای کتاب «قصه ننه علی» روایت‌های زهرا همایونی به قلم مرتضی اسدی

## الگوی مناسب برای برخورد با مشکلات

کتاب «قصه ننه علی» را به جرات می‌توان

حسین شیخانی

محقق و نویسنده

خاص‌ترین روایت به نگارش درآمده از زندگی

خانواده شهدا نامید که در آن، محتوایی متفاوت با خاطرات رسمی و کلیشه‌ای منتشر شده، به مخاطب ارائه می‌دهد. مرتضی اسدی، نویسنده کتاب در ابتدا با شنیدن بخش‌های تلخ زندگی خانم زهرا همایونی به عنوان راوی در ادامه کار و امکان چاپ خاطرات، دچار تردید می‌شود، ولی مشورت‌های دلسوزان فرهنگ پایداری و پیگیری راوی، در نهایت نویسنده را بر تردیدش پیروز می‌کند و کتاب به ناشر خصوصی «حماسه یاران» سپرده می‌شود.

در روزگار ترویج خاطرات موسوم به «روایت‌صورتی» که آسیب‌های جدی به تفکر و نگاه مخاطبان فرهنگ مقاومت و پایداری وارد می‌کند؛ تولید این کتاب توانست در نقطه مقابل این حرکت، پنجره جدیدی از حقایق تاریخ انقلاب و دفاع مقدس را به روی همگان باز کند.



این کتاب قصه «جهاد اصغر» شهیدان امیر و علی شاه‌آبادی در راه دفاع از اسلام و انقلاب و «جهاد اکبر» مادر شهدا برای صبر در مقابل مشکلات زندگی، حفظ کانون خانواده و تربیت فرزندان مومن و انقلابی است.

در دورانی که بعضی از زنان و دختران در مقابل وجود اندک مشکلی در زندگی، سراغ انتخاب‌هایی نظیر خودکشی و پایان دادن به زندگی مشترک می‌روند، مطالعه کتاب خاطرات مادر صبور و مقاوم شهیدان شاه‌آبادی، می‌تواند الگوی خوبی برای برخورد درست با مشکلات و داشتن یک زندگی موفق باشد. استقبال خوب از این کتاب و تداوم چاپ آن، نشان‌دهنده ضرورت تولید این قبیل آثار در فضای فرهنگی جامعه است که باید توسط دیگر نویسندگان و ناشران دغدغه‌مند، دنبال شود. نقش‌آفرینی زینب‌گانه راوی و جسارت و شجاعت نویسنده و ناشر، توانست کتابی را تولید کند که قطعا می‌توان آن را خط شکن بیان روایت‌های ناگفته زندگی در پشت جبهه‌ها نامید.

سند کمپانی و برگ سبز  
آی تک CDI 125 مدل ۸۴ به شماره موتور  
85602505 شماره تنه 8409036  
شماره پلاک ۶۷۴۲۱-۴۴۲ به نام  
جواد احمدزاده پپله رود مفقود گردیده  
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری  
سایپا 1315X مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید  
روغنی شماره انتظامی ایران ۵۳-۸۱۵ب۶۳  
شماره موتور 4310387 شماره شاسی  
S3412290989093 به مالکیت رضا احقاقی  
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی خودرو سواری هاج بک چری  
TIGGO5CVT مدل ۱۳۹۵ به رنگ قهوه‌ای  
روغنی شماره انتظامی ایران ۵۳-۶۶۱ و ۶۷  
شماره موتور MVM484FTAG004159 شماره شاسی  
NATGBATL5G1004044 به مالکیت  
علی پور عجم مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی سواری هاج بک ام وی ام X22-AT  
مدل ۱۳۹۹ رنگ سفید روغنی شماره موتور  
MVMD4G15BAGL018125 شماره شاسی  
NATFBABW111016905 شماره پلاک  
۷۷۱ ص ۳۶ ایران ۴۶ به نام فاطمه زاله گشتی  
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی سواری دانگ فنگ مدل ۹۶  
رنگ سفید پلاک انتظامی ۸۲۷ ل ۸۵  
ایران ۴۶ شماره موتور FA173B0018612  
شماره شاسی NAAE4CFZ0HX031479  
مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری هاج بک  
چری TIGGO 5 FL مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید  
روغنی شماره انتظامی ایران ۶۷-۴۳۶ج۸۷  
شماره موتور MVM484FTAH028376  
شماره شاسی NATGBATL2H1024706 به مالکیت  
زهرا یونس مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سازمان آگهی‌های  
روزنامه جام جم

۴۹۱۰۵۰۰۰